

۴۵ دقیقه کار، حاصل جدال با کنکور و غول بیکاری

گفته می‌شود ۶۰ درصد مردم از شغل خود راضی نیستند یا آینده روشن شغلی برای خود نمی‌بینند. در حالی که با وجود بیکاری، آن‌ها مجبورند...



گفته می‌شود ۶۰ درصد مردم از شغل خود راضی نیستند یا آینده روشن شغلی برای خود نمی‌بینند. در حالی که با وجود بیکاری، آن‌ها مجبورند با هر شرایطی به ادامه فعالیت بپردازند. از سوی دیگر، نتایج جدیدترین بررسی‌های کارشناسان نشان می‌دهد که نارضایتی شغلی باعث شده میزان کارمفید یک فرد در روز به ۴۵ دقیقه برسد آن هم در شرایطی که طبق آخرین اعلام سازمان ملل بیکاری به یکی از بحران‌های بزرگ اجتماعی در تمام دنیا تبدیل شده است که ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست.

جام جم سرا:

افزایش 20 درصدی سرقت‌های خرد، نابسامانی‌های اجتماعی و از همه مهم‌تر پیری جمعیت که مقام معظم رهبری نیز نسبت به این بحران چندی پیش به مسئولان هشدار داده بودند؛ مسئولان دولتی را بر آن داشت که درصدد رفع بیکاری جوانان برآیند. این در حالی است که کارشناسان معتقدند بیکاری سبب عدم استقبال جوانان از ازدواج شده است و با حل مشکل بیکاری درصد زیادی از مشکلات جوانان حل خواهد شد. در این میان مسئله‌ای که به آن اهمیت داده نشده رضایت از شغل و کار است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، عدم رضایتمندی از شغل و عدم امنیت شغلی امید به آینده را نیز کاهش می‌دهد. نباید از یاد ببریم که اعتیاد، فساد، سرقت‌های خرد و کلان، کلاهبرداری‌ها و... آسیب‌های اجتماعی هستند که بیشتر بر اثر فقر به وجود می‌آیند. به گزارش مرکز آمار ایران، متقاضیان کار یا همان بیکاران در پاییز امسال به 2.4 میلیون نفر بوده است.

دکتر سیدحسن موسوی چلک رئیس انجمن مددکاری ایران در این مورد می‌گوید: ما ایرانی‌ها معمولاً عادت کردیم که از شغل‌مان ناراضی باشیم. اما مواردی هم ممکن است محل کار خوب باشد اما فرد نتواند متناسب با توانایی حق و حقوق بگیرد، یا ارتقا پیدا نکند، حتی افرادی هستند که سخت کار می‌کند و کسی آن را نمی‌بیند. این امکان هم وجود دارد هم کار خوب باشد هم مزایای اما بالا دستی این فرد مدیر شایسته‌ای نباشد.

یک دوم وظیفه اشتغالزایی می‌کنیم

نایب‌رئیس اول کمیسیون آموزش و تحقیقات نیز می‌گوید: یکی از بحران‌هایی که دامن جامعه ما را گرفته و در سال‌های آینده همچنان در کشورمان به صورت جدی مطرح خواهد بود بحران بیکاری است.

بیکاران ما کسانی هستند که دوره‌های آکادمیک را طی کردند و با توجه به توقعی که برایشان پیش آمده جذب بازار کار نمی‌شوند، بازار کار کسانی را می‌پذیرد که بدون این تحصیلات با اندکی تجربه امکان حضور در بازار را دارند

این بیکاری می‌تواند خودش سرمنشا بسیاری از کمبودها، فقر و مفساد و بسیاری از مباحث منفی را در کشور دامن بزند متأسفانه کنترل و هدایت نشده و با توجه به اینکه اقتصاد ایران در نرخ 5 درصدی حرکت می‌کند باید توان ایجاد اشتغال برای حدود یک میلیون جوان در هر سال جهت ورود به کار را فراهم کند. اما از این مقدار یک میلیون، سالانه نیم میلیون جذب بازار کار می‌کنیم و مابقی عملاً کسانی هستند که به خیل بیکاران اضافه خواهند شد و جالب این است که در این مقوله تعداد بیکارانی که فارغ‌التحصیل مراکز آموزش عالی هستند به مراتب از افراد کم‌سواد بیشتر است. تا به حال فکری برای فارغ‌التحصیلان نکردیم و تمام تلاشمان این بود که زمینه لازم برای تحصیل جوانان را فراهم کنیم، امروز در کنار بحث تحصیل باید نگاهی هم به دوران بعد از فارغ‌التحصیلی کنیم.

جواد هروی با اشاره به اینکه جای تاسف دارد بیشتر بیکاران ما کسانی هستند که دوره‌های آکادمیک را طی کردند و با توجه به توقعی که برایشان پیش آمده جذب بازار کار نمی‌شوند، ادامه می‌دهد: بازار کار هم کسانی را می‌پذیرد که بدون این تحصیلات با اندک تجربه کاری امکان حضور در بازار را دارند. این مقوله نشان می‌دهد که در بحث آموزش عالی نتوانستیم از اول تا آخر کار را طی کنیم. ابتدای کار در بحث پذیرش دانشجو به شدت رقابت‌های جدی در کشور وجود دارد. ایجاد دانشگاه‌های جدید و بخش خصوصی، علمی و کاربردی، بین‌الملل و شبانه توسعه کمی دانشگاه با هدف مدرک‌گرایی دشمن جان ما شده و خواهد بود.

به گفته این نماینده مجلس راهی که به نظر ما در مجلس آمد این بود که در جلساتی منظمی که با حضور معاونان آموزش و پرورش، وزیر بهداشت و علوم و آموزشی و... می‌گذاریم و در آنجا زمینه لازم جهت توقف کمی دانشگاه‌ها را پیگیری می‌کنیم و در کنار آن به دنبال این هستیم که بتوانیم رشته‌ها و دانشگاه‌هایی که نگاه مهارتی دارند را تقویت کنیم. بسیاری از دانشجویان فارغ‌التحصیل به دلیل آنکه در ساختارهای نظری تحصیل کرده‌اند امکان اتصال آنها به بازار کار نیست.

چرا که آنچه خواندند با آنچه باید عمل کنند مطابقت ندارد و این نشان می‌دهد عدم سنخیت دانشگاه‌ها با بازار کار مانع از جذب دانش‌آموختگان می‌شود. بخشی که در اقتصاد مقاومتی مطرح است، اقتصادی بر پایه برنامه برای این است که علم‌آموزی و دانش به‌گونه‌ای باشد که بتواند بنیان اقتصادی را در دست خود داشته باشد.

اقتصاد ما باید مبتنی بر زمینه‌های علمی، تجاری‌سازی آثار، اختراعات و خلاقیت‌های نسل جوان باشد. با توجه به شرایطی که وجود دارد، امکان این کار برای ما میسر نیست. توقف کمی دانشگاه‌ها و تقویت کیفیت آنها در این زمینه مطرح است. یعنی فارغ‌التحصیل زمانی که از دانشگاه خارج می‌شود منطبق با خواسته و نیاز جامعه به سرعت جذب بازار کار بشود. چیزی که امروز متأسفانه اصلاً وجود ندارد. سنخیت تحصیلات آکادمیک و نیاز بازارکار باعث شده که قشر عظیمی از فارغ‌التحصیلان ما در بازار کار سرگردان باشند.

مدرک‌های قاب شده بر دیوار

کنکور... امتحانی که دانش‌آموزان با شنیدن اسمش دچار دلهره و نگرانی می‌شوند. دانش‌آموزان دو سه سال آخر تحصیل خود را با استرس کنکور سر می‌کنند. سعی می‌کنند به دانشگاه بروند و تحصیلات عالی کسب کنند. اما این تحصیلات برحسب رتبه‌ای است که در کنکور به دست می‌آورند. نمی‌توانند هر رشته‌ای را که دوست دارند ادامه بدهند. محمد در دانشگاه رشته روانشناسی خوانده و فکر می‌کرده که یک روانپزشک خواهد شد ولی فروشنده‌گی یک مانتوفروشی نصیبش شده است. می‌گوید درسش بد نبوده و با معدل 18 دیپلم گرفته اما در کنکور آنطور که دوست داشته موفق نبوده است. او برای اینکه از ماراتن قاب کردن مدرک جا نماند به دانشگاه رفته است.

وزیر بهداشت از روی آوردن 15 هزار پزشک به شغل‌های دیگری همچون دلالی خبر می‌دهد. رشته‌های خوبی که همه برای قبول شدن در دست می‌شکنند هم نمی‌تواند برخی را راضی نگه دارد

دکتر چلک با اشاره به اینکه یکی از اولویت‌های اصلی در سیاست‌های آموزشی در نظر داشتن شرایط برای جذب افراد فارغ‌التحصیل در محیط‌های کاری است، می‌افزاید: به همین دلیل نیازسنجی آموزشی متناسب با نیازسنجی مشاغل مورد نیاز به عبارت دیگر آمایش حوزه آموزش باید متناسب با آمایش حوزه اشتغال باشد. اما به دلیل اینکه ما مراکز آموزشی مختلف (آزاد، وزارت بهداشت، علوم، علمی‌کاربردی، پیام نور، آموزش عالی آزاد در این حوزه فعال شدند طبیعتاً این تعهد مراکز آموزشی بدون داشتن چشم‌انداز لازم برای حوزه اشتغال باعث شد که تناسب بین آموزش و رشته‌های دانشگاهی جذب شده و فرصت‌های موجود اشتغال نباشد.

تخصص هم فایده‌ای ندارد

وزیر بهداشت هم از روی آوردن 15 هزار پزشک به شغل‌های دیگری غیر از پزشکی، همچون دلالی خبر می‌دهد. رشته‌های خوبی که همه برای قبول شدن در آن سر و دست می‌شکنند هم نمی‌تواند برخی را راضی نگه دارد. رشته‌های تخصصی پزشکی و مهندسی که بسیاری از پدر و مادرها فرزندان‌شان را برای قبولی در آن تحت فشار قرار می‌دهند. اما روح برخی با این رشته‌ها جور در نمی‌آید.

«مژگان.ر» مدیر یک بخش هماتولوژی آزمایشگاه یک بیمارستان است. او بعد از 12 سال کار و با داشتن فوق لیسانس می‌گوید می‌خواهد کارش را رها کند. او می‌گوید: وقتی که می‌خواستم وارد دانشگاه شوم خیلی سعی کردم که در رشته پزشکی قبول شوم. خیلی تلاش کردم و علوم آزمایشگاه دانشگاه ایران قبول شدم. وقتی وارد کار شدم شور و شوق زیادی داشتم ولی حالا اصلاً کارم را دوست ندارم چون یکنواخت است. رفتم و دو سال رشته طراحی لباس خواندم و حالا دوست دارم در این کار فعالیت کنم.

«مسعود.د» در حال حاضر مدیر داخلی یکی از رستوران‌های بزرگ است. او مهندس عمران بوده و به دلیل آن که پروژه‌های بزرگ عمرانی زیاد نبودند و پرداخت به موقع حقوق را هم نداشتند چند دوره هتلداری، کافی‌شاپ و آشپزی درجه یک و دو سازمان فنی و حرفه‌ای را گذرانده و به رستوران‌داری مشغول شده. او حالا از کار خود راضی است. ولی چند درصد جوانان توانایی تغییر شغل را دارند؟ چند درصد آنها توانایی پرداخت هزینه کلاس‌های فوق‌برنامه را دارند؟

دکتر موسوی‌چلک با بیان اینکه ممکن است فقط دانشگاه رفتن برای فرد و خانواده‌اش مهم است، می‌گوید: نوجوانان زمان کنکور یک رشته را انتخاب می‌کنند ولی به این توجه نمی‌کنیم که آیا به آن رشته علاقه‌مند هستند یا خیر؟ آنها از دبیرستان برنامه‌ای برای شغل آینده خود ندارند. 100 رشته را در کنکور انتخاب می‌کنند و در یکی از آنها قبول می‌شوند. حتی برخی از آنها نمی‌دانند رشته دانشگاهی که قبول شده‌اند چه کاربردی دارد. در حال حاضر خیلی از هنرمندان ما در رشته دیگری خوانده ولی به بازیگری روی می‌آورند. این مقوله خاص همه کشورهاست نه فقط مختص کشور ما باشد. ولی وقتی فراگیر شود تبدیل به معضل می‌شود. البته عدم رضایت شغلی مختص رشته‌های آکادمیک نیست.

به محض آنکه از کار زیاد یا حقوق کم خودمان صحبت می‌کنیم به ما می‌گویند اینقدر بیکار در بازار ریخته که اگر می‌خواهید از اینجا بروید نیست. راه باز و جاده دراز

«مصطفی.الف» 58 ساله به شغل ساختمان‌سازی مشغول است. او می‌گوید: از زندگی خسته شده‌ام. ای کاش یک کارمند ساده بودم و سرساعت به سرکار می‌رفتم و سرساعت هم به خانه می‌آمدم. اینطوری همه چیز برنامه دارد. کاری که دارم خیلی سنگین و سخت است و اگر کار نکنم زندگی‌ام نخواهد گذشت.

در مقابل این مهندس ساختمان، ایرج سوپروایزر یکی از بخش‌های بیمارستان است. او در سه شیفت بیمارستان‌های مختلف کار می‌کند تا بتواند امورات خود و خانواده‌اش را بگذراند.

بیکاری تهدیدی برای شاغل‌ها

یکی از مشکلاتی که شاغلان دارند این است که به دلیل بیکاری زیاد در جامعه از سوی کارفرمای خود تهدید می‌شوند. پیام کارمند یک شرکت خصوصی وابسته به دولت است. او می‌گوید: به محض آنکه از کار زیاد یا حقوق کم خودمان صحبت می‌کنیم به ما می‌گویند اینقدر بیکار در بازار ریخته که اگر می‌خواهید از اینجا بروید هم مهم نیست. راه باز و جاده دراز. نه می‌توانیم حقمان را درست بگیریم و نه می‌توانیم لحظه‌ای استراحت کنیم. گاهی غذایمان را هم پشت میزمان و سرکارمان می‌خوریم که وقت از دست نرود.

موسوی‌چلک با اشاره به اینکه امنیت شغلی در کشور ما در دو بخش دولتی و خصوصی است، می‌افزاید: در بخش دولتی وقتی فرد وارد سیستم شده و به عنوان کارمند رسمی پذیرفته می‌شود، اخراج آن بسیار دشوار است مگر در موارد ویژه و با ضوابط خاص. اما در بخش خصوصی این امنیت بستگی به نوع قرارداد دارد. طبیعتاً در بخش خصوص امنیت شغلی برای کسانی که کار می‌کنند کمتر است. مگر کسانی که اینقدر مهارت بالایی دارند که کارفرما مجبور بشود آنها را نگه دارد. بخشی از امنیت شغلی مقررات است. برای ایجاد امنیت شغلی باید در قوانین بازنگری شود. در بخش خصوصی مقرراتی وجود دارد ولی نظارت بر اجرای آن و توجه بحقوق متقابل کارفرما و کارمند می‌تواند ضامن امنیت شغلی باشد. در قراردادهای نیز باید شفاف عمل کرد. این باعث خواهد شد که راحت‌تر شدن کار و تعامل بیشتر بین رئیس و مرئوس خواهد شد.

به‌زعم کارشناسان یکی از شاخصه‌های اصلی نشاط اجتماعی رضایتمندی از شغل و علاقه به آن است و عدم رضایت و امنیت شغلی علاوه بر تهدید نشاط اجتماعی دلیل عمده بروز استرس و نگرانی اجتماعی است. (پریسا هاشمی/تهران امروز)